

### مصاحبه با عبدالله دارابی در رابطه با گشت سیاسی در شهر مریوان



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. منصور حکمت

ایسکرا: لطفا در مورد شرایط و عواملی که این حضور سیاسی را در اوضاع فعلی ضروری ساخت برای خوانندگان ایسکرا توضیح دهید.

عبدالله دارابی: حضور و گشت سیاسی ما بر مبنای تصمیم رهبری حزب بود که با توجه فاکتور هایی چون اوضاع صفحه ۲



### حضور قدرتمند عبدالله دارابی تودهنی محکمی به رحیم صفوی

حضور قدرتمند عبدالله دارابی، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری در شهر مریوان، و تجدید دیدار فراموش نشدنی مردم آزادیخواه با یکی از محبوب ترین و سرشناس ترین رهبرانشان، بیشک رویدادی مهم و شورانگیز، و از زاویه



فانح شیخ الاسلامی

من هم به سهم خود دست رفیق دارابی را به گرمی میفشارم و به جسارت و کاردانی او و رفقای همراهش و همچنین به روحیه بالا و متعرض جوانان و مردم مبارز مریوان درود میفرستم.

نکته قابل توجهی که در پیام کورش مدرسی رئیس صفحه ۲

خلاصی از نکبت جمهوری اسلامی، نویدبخش و برانگیزنده است. عبدالله دارابی یک بار دیگر پرچم آزادی و رهایی را به خیابانها و کوچه های شهر و به خانه های مردم برد، یک بار دیگر عزم قاطع نپذیرفتن و نه گفتن به جمهوری اسلامی را، پیام برخاستن و برانداختن این رژیم کثیف از نفس افتاده را به میان مردم برد. همینجا



اعتراضات مردم در مهاباد و اظهارات مقامات رژیم! صفحه ۳

در زیر ملاحظه میکنید خاطره مشترکی است با عبدالله دارابی که در این مناسبت بازگو میکنم. آبان ماه سال ۱۳۵۸ بود. بدنبال سازماندهی مقاومت نظامی و توده‌ای و گسترش مجدد مبارزات مردم در شهرهای کردستان رژیم اسلامی هر روز زیر ضربات نیروهای پیشمرگ و مبارزات هر روزه در شهرها بود. رژیم کنترل چندانی بر شهرها را نداشت.

صفحه ۳

### یادی و خاطره‌ای

(به مناسبت سخنرانی عبدالله دارابی در شهر مریوان)

حضور عبدالله دارابی چهره سرشناس مبارزات مردم کارگر و زحمتکش سه دهه اخیر مریوان و کردستان در تاریخ ۲۲ شهریور ۱۳۸۱ در شهر مریوان برای بخش زیادی از مردم مریوان یادآور خاطرات مبارزات پرشور در این سه دهه و بویژه در سال ۱۳۵۸ و به عقب نشینی وادار کردن رژیم اسلامی بعد از یورش ۲۸ مرداد در آن سال است. آنچه



### رادیو انترناسیونال

هر شب ۸ تا ۸ و ۴۵ دقیقه بوقت تهران

از روز یکشنبه اول مهر (۲۳ سپتامبر) تا روز شنبه ۴ آبان (۲۶ اکتبر)

۳۱ متر برابر با ۹۹۴۰ کیلوهرتز تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹ اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷

روزهای یکشنبه نیم ساعت به زبان کردی

## ◀ حضور قدرتمند عبدالله دارابی

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری هم به آن اشاره شده، همزمانی این گشت سیاسی قدرتمند با هارت و پورت رحیم صفوی فرمانده سپاه لیمپان رژیم در سنندج و تمرکز نیروهای سرکوبگر رژیم در کردستان است. آمدن رحیم صفوی به کردستان، هارت و پورت او در سنندج و افزایش نیروهای نظامی در کردستان، خود نشانه

وحشت فزاینده جمهوری اسلامی از اوج گرفتن مبارزات مردم کردستان است که این روزها شاهد تازه ترین صحنه های در شهر مهاباد هستیم.

در شرایطی که در و دیوار بر نزدیک تر و نزدیک تر شدن سقوط جمهوری اسلامی گواهی میدهد، اوج گرفتن مجدد مبارزات توده های

ای از لیمپان مردم کردستان هم بسیار طبیعی است و هم وزنه جنبش سرنگونی در سطح سراسری را به سرعت سنگین تر میکند و به سهم خود رژیم اسلامی به پرتگاه آخر خواهد راند. رحیم صفوی یکی از سرکردگان جانیان اسلامی است که طی سالهای اخیر بارها با هارت و پورت های احمقانه و لیمپانه خود، وحشت سران این رژیم جنایتکار را نمایندگی کرده است. رحیم صفوی و هم پالکیهایش اما با هیچ درجه

عبدالله دارابی عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری با حضور قدرتمند خود در میان مردم یک بار دیگر اعلام کرد که حزب ما با تکیه به نیروی مردم آزادیخواه کردستان و سراسر ایران، برچیدن بساط کثافت و جنایت رژیم اسلامی را تضمین میکند. این بربرگرد ندارد.

\*\*\*

## ◀ مصاحبه با عبدالله دارابی

سیاسی ایران و پیام های تاریخی منصور حکمت در کنگره سوم حزب، ضرورت یافته بود. حزب کمونیست کارگری از مدتها قبل عزم خود را برای دخالت فعال در سیر اوضاع سیاسی ایران از طرق مختلف به جامعه اعلام کرده بود. ما اعلام کرده بودیم که باید حزب کمونیست کارگری را بعنوان یک نیروی رادیکال، مدافع تغییرات اساسی به نفع مردم و ترسیم کننده یک جامعه شایسته انسان آزاد در معرض انتخاب جامعه قرار دهیم. من و رفیق مجید حسینی در موارد دیگر به انجام چنین گشتهای علنی در میان مردم کردستان دست زده بودیم، این بار با رفقای همراه خود طبق نقشه و تصمیم رهبری حزب قصد داشتیم به نام منصور حکمت، پیام مهم و تاریخی او را در کنگره سوم حزب بطور مستقیم در تجمعهای وسیع مردم مطرح کنیم، توقعات و انتظارات حزب را با آنها در میان بگذاریم و نسبت به اوضاعی که در دوران فروپاشی رژیم اسلامی بوجود آمده است، موضع و جایگاه و تصمیم حزب کمونیست کارگری و رهبری آنرا طرح کنیم. با این گشت و حرکتی از این قبیل ما میخواستیم به مردم اطمینان

بدهیم که رهبری حزب کمونیست کارگری قاطعانه توصیههای رفیق عزیز منصور حکمت را پیگیری میکند و در راستای آنچه میرویم. آرزو میکرد پیش میرویم. خواستیم بگویم که ما حزب منصور حکمت هستیم که آماده ایم دست در دست مردم برای بزیر کشیدن رژیم اسلامی و بنیان گذاشتن جامعهای آزاد و برابر و مرفه به وظایف خود عمل کنیم. این گشت بنام عزیز منصور حکمت نامگذاری شده بود و من همین را در اجتماع مردم و در سخنرانیم اعلام کردم. حقیقت این است اگر یک آلترناتیو واقعی، موجود و نیرومند و یک کمپ و ستاد مبارزه برای آزادیخواهی و برابری طلبی و سکولاریسم در ایران موجود است که میتواند نقطه امید میلیون ها انسان کارگر و زحمتکش، جوان عاصی از حکومت اسلامی و زن مشتاق برابری و انسانیت باشد، آن نیرو حزب کمونیست کارگری است. مردم ما را میشناسند، سابقه و تاریخ ما را میدانند، خواستیم باردیگر از نزدیک و حضوری به آنها اعلام کنیم که حزب کمونیست کارگری به تعهدات تاریخی خود پایبند است و اهداف و سیاستهای خود را پیگیری میکند.

## ایسکرا: فضای شهر، روحیه

مردم، تصویر آنان از حزب کمونیست کارگری، وضعیت رژیم و نیروهای آن چگونه دیدید؟

**عبدالله دارابی:** به محض ورود و مشاهده ما در داخل شهر، بلافاصله سیمای شهر تغییر کرد و مردم به فاصله چند دقیقه دور ما جمع شدند، ما را در آغوش گرفتند و اشک شوق در چشمان بسیاری از آنها حلقه زد. با احساس مسئولیت کامل و سرعت با سازماندهی و نظم خاصی سه محله شهر را تا صبح روز بعد به کنترل خویش در آوردند. در بستر این سازماندهی مردم و تدارک امنیتی ویژه ای که برای حفاظت از ما تامین شد، به سخنرانی علنی پرداختیم به طوری که بلندگوهای مسجد محل سخنرانی بخش وسیعی از شهر را تحت پوشش قرار داد. مردم روی پشت بامها آمده بودند، به کوچهای اطراف ریختند، ادبیات حزب را که به صورت جزوات و کتاب و نوار کاست و ... بودند از ما گرفتند و سریعاً در میان خود توزیع کردند. نیروهای رژیم در برابر این آمادگی مردم در استقبال از ما زمین گیر شدند و در هراس و ترس ترجیح دادند به لانه های بخزند و در نتیجه قادر به هیچ عکس العملی نشدند. به نظر من رژیم حتی اگر تصمیم به مداخله می گرفت آگاه بود که با نیروی وسیعی از مردم طرف خواهد بود و

احتمال میداد که عواقب دخالت نیروهای آن، نتایج وخیمتری را برایش ببار میآورد.

جالب این است که توسط همان مردم خبر حضور ما در شهر مریوان سریعاً به دیگر شهرهای ایران از جمله تهران و سنندج و مهاباد اطلاع داده شد.

بگذارید اینجا یک نکته را تاکید کنم: من را مردم کردستان خوب میشناسند، بارها در طول این ۲۵ سال در اجتماعات وسیع مردم بوده‌ام، اما منظره این دیدار و گشت واقعا از هر نظر متفاوت بود. در شرایطی که فرمانده سپاه پاسداران چند روز قبل یاهه گویی کرده بود که گویا کردستان را برای جمهوری اسلامی امن کرده‌اند، در شرایطی که نیروهای نظامی جدیدی را به منطقه سرازیر کرده بودند، من شاهد بودم که نفوذ کلام کمونیستهای کارگری و پیوند عمیق این حزب با مردم بسیار فراتر از آن چیزی بود که حتی خود من تصور میکردم. حضور مردم و وزن حزب کمونیست کارگری در اعماق قلب مردم سیمای کاملاً متفاوتی به شهر داده بود. باتکا این نیروی عظیم کار به زیر کشیدن رژیم و بنیاد گذاشتن جامعهای خوشبخت و برابر و مرفه اصلاً دشوار نیست.

از اوضاع گرفتید، چه پیامی برای مردم، و برای فعالین حزب در مریوان و شهرهای کردستان دارید؟

**عبدالله دارابی:** تصویر من از اوضاع کنونی ایران و کردستان این است که جنبش آزادیخواهی و برابری طلب چنان عرصه را بر رژیم جمهوری اسلامی تنگ کرده‌اند که از این رژیم سرتاپا جنایت و توحش و آدمکشی، فقط یک ظاهر پوشالی باقی گذاشته است. دیگر هیچ قدرتی، نه تلاشهای مزبوحانه جبهه متلاشی شده جناحی از همان رژیم، و نه هیچ بند و بست و توطئه‌های بدور از چشم مردم و نه نیروهای سرکوب او قادر به حفظ حکومت اسلامی در قدرت نیست.

فراخوان من به مردم این است این جبهه را و صف کمونیسم کارگری را هر چه وسیعتر و محکمتر تقویت کنیم. مردم حزب کمونیست کارگری را بعنوان یک حزب منسجم، با برنامه و سیاست روشن و با انبوهی از کادرهای سرشناس و مورد اعتماد خود در صحنه میبینند. باید به صفوف این حزب پیوست. خود را برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی و فراهم کردن بنیادهای استقرار جمهوری سوسیالیستی ایران آماده کنیم.

● ● ●

**ایسکرا:** خودتان چه تصویری

## اعتراضات مردم در مهاباد و اظهارات مقامات رژیم!

خالدحاج محمدی

khalehdhaji@yahoo.com

دو هفته گذشته و بدنبال کشتن ۳ نفر توسط مزدوران رژیم در تاریخ ۱۸ شهریور، شاهد اعتراضات وسیع مردم در شهر مهاباد بودیم. مردم مهاباد و سردشت در اعتراض به کشتن این ۳ نفر در روز سهشنبه ۱۹ شهریور در میدان جامی مهاباد جمع شده و از آنجا با شعار مرگ بر جنایتکار به طرف خیابان طالقانی به راه می‌افتند. مردم در مسیر

با نیروهای نظامی درگیر شدند، به اماکن دولتی حمله کردند و چندین ساعت درگیری مردم و مزدوران رژیم ادامه داشت. مقامات رژیم برای مقابله با مردم معترض مهاباد نیروهای ویژه را از میاندوآب گسیل می‌دارند تا بتوانند مردم را پراکند کنند. (اخبار مفصل این اعتراضات قبلاً توسط کمیته کردستان به اطلاع عموم رسیده است)

مقامات رژیم بعد از پخش

اخبار این اعتراضات در ایران و خارج کشور و اطلاع پیدا کردن مردم و خبرگزاریها از ماجرا، بالاخره به حرف آمدند و به روال همیشگی مذبوحانه تلاش کردند اعتراض بر حق مردم را لاپوشانی و وارونه قلمداد کنند. در این زمینه از عبداللهی فرماندار مهاباد، سرهنگ کاظمی نژاد رئیس اطلاع رسانی فرماندهی انتظامی آذربایجان غربی، خورشیدی معاون سیاسی امنیتی استانداری آذربایجان غربی تا داسه "نماینده" مردم پیرانشهر و سردشت به سخن آمدند. ادعاهای این جنابان

برای وارونه نشان دادن حقایق و دروغهای شاخدار که گویا تعدادی "قاچاقچی" و "سودجو" در مهاباد اعتراض کرده، "شهر آرام است" و ... نه تازگی دارد و نه دیگر حتی مورد باور مخلصترین و خامترین ایادی خودشان. این ادعاها حتی ارزش تکذیب هم ندارد و خود آقایان در لابلای سخنانشان دروغ بودن ادعاهای همدیگر را بر ملا میکنند. از طرفی ادعا دارند که اینها تنها تعدادی قاچاقچی و ... بوده و از طرف دیگر عبداللهی میگوید، اینها ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ نفر بیشتر نبوده‌اند و اعتراضات ۱۹ شهریور تنها

۳ ساعت طول کشیده و ... . جالب اینکه به فاصله کوتاهی از این ادعاها روز یکشنبه ۲۴ شهریور در زندان مهاباد شورش شد و زندانیان با مزدوران زندان ساعتها درگیر شدند. روز بعدش مردم شهر در اطراف زندان جمع شدند و به رژیم اعتراض کردند. در این مدت و تاکنون هم، نیروهای دیگری که از جمله میاندوآب و رضائیه به مهاباد آمده‌اند هنوز در مهاباد مستقرند. به هر حال همچنانکه گفتم این ادعاها پوچتر از آنند که کسی را دچار توهم کند. اما در اظهار نظرات همگی این

## یادی و خاطره‌ای

کومه‌له نقش مهمی در سازماندهی این مقاومت داشت و ما به مثابه تشکیلات کومه‌له در ناحیه مریوان در راس مقاومت و حرکت اعتراضی بودیم. تصمیم گرفتیم که برای دیدار با مردم و جهت تبادل نظر با آنها از نزدیک به شهر برویم و مردم را دیدار کنیم. در این رابطه واحدی شش نفره برای این دیدار آماده شد. رفیق جانباخته عطا رستمی و عبدالله دارابی و من با این واحد بودیم. ساعت ۳ بعدازظهر طبق طرح به محله داسیران وارد شدیم، مردم با مشاهده عبدالله دارابی چهره سرشناس مبارزات چندین ساله‌شان به پیشوا زمان آمدند، در ظرف نیم ساعت جمعیت چند هزار نفری دور ما تجمع نمودند. این در حالی بود که نیروهای رژیم هنوز در شهر مریوان مستقر بودند. حضور وسیع مردم فضایی را ایجاد نمود که نه تنها امکان هر تحرکی

را از نیروهای رژیم سلب نمود بلکه کنترل شهر را هم از دستشان خارج نمود. جمعیت ما را به طرف میدان مرکزی همراهی نمودند. تعداد زیادی از مردم از ما خواستند که در محل استقرار موقتی داشته باشیم تا همگان بتوانند با ما از نزدیک در مورد اوضاع سیاسی و موقعیت رژیم و مبارزات خودشان گفتگو کنند. پیشنهاد را پذیرفتیم. فضائی پر از شور و احساس بوجود آمد. قرار شد متینگ سخنرانی داشته باشیم. در ظرف چند دقیقه سازماندهندگان برای این متینگ آماده شدند و فوری مردم را به دبیرستان فرخی برای این متینگ دعوت نمودند. جمعیت چند هزار نفری در این محل حاضر شدند. جوانان با باریگاردهایی که در اطراف این منطقه ایجاد کردند شرایط امنی را برای این متینگ مهیا نمودند.

رفیق جانباخته عطا رستمی و سپس عبدالله دارابی طی سخنانی اوضاع را برای مردم ترسیم نمودند و از بازگشت

دخالت نکنند. ما آن شب را در میان استقبال و حفاظت مردم مریوان در شهر ماندیم. صبح روز بعد در میان جمعیت چند هزار نفره مردم بعد از عبور از مرکز شهر آنجا را ترک کردیم. چند روز بعد کنترل کامل شهر بدست مردم افتاد. در میان استقبال دهها هزار نفر از مردم شهر و روستاهای مریوان وارد شهر شدیم. صحنه های جالب و فراموش نشدنی هنوز در خاطره‌ها است. کارگران، جوانان، زنان و دیگر اقشار مردم پلاکاردهای خیر مقدم در دست داشتند. دوباره در میدان مرکزی شهر رفقا عبدالله دارابی و عطا رستمی برای مردم سخنرانی نمودند. بدون شک بازگشت دوباره عبدالله دارابی به مریوان، تجسم نزدیک به سه دهه مبارزات سیاسی و اجتماعی رادیکال برای خیلی‌ها یادآور چنین خاطراتی است.

امروز در شرایطی که لمپنی چون رحیم صفوی رجز می‌خواند و تهدید می‌کند، نشان داد که با نیروی قاطع و روشن بینی چون حزب کمونیست کارگری و مردم آزادیخواه و

قریب الوقوع کومه‌له به شهر به آنها خبر دادند. مردم شاد و سرحال و با شور و شوق در این متینگ شرکت کردند. بازاریان با ارسال میوه و شیرینی از این متینگ حمایت کردند. همزمان نمایندگانی از اقشار مختلف مردم از ما خواستند که بعد از متینگ، در وقت معینی با آنها صحبت کنیم تا در رابطه با تدارک بازگشت ما وظایف خود را بدانند. شب در محلی که حضور داشتیم صدها نفر از مردم شهر بویژه جوانان و زنان به دیدارمان آمدند و در سه اطاق جداگانه هر یک از ما با مردم مشغول بحث و تبادل نظر بودیم. خبر رسید که نماینده ارتش مستقر در مریوان هم خواستار دیدار با ماست. به آنها هم وقت دادیم که به دیدارمان بیایند. آنها آمدند تا به قول خودشان بگویند که ارتش قصد درگیر شدن با کومه‌له و پیشمرگان را ندارد، در این دیدار رفقا عبدالله دارابی و عطا رستمی نقش ارتش را هم در سرکوب مردم یادآور شدند. در عین حال به آنها گفتند، عقب نشینند و در مسائل شهر

یک دنیای بهتر

برنامه حزب

کمونیست کارگری

را بخوانید

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## پیام به دانش آموزان و دانشجویان

### دانش آموزان و دانشجویان عزیز!

تاریخ استقرار جمهوری اسلامی، تاریخ تعرض اسلامی به مدارس و دانشگاهها و حاکم کردن جهل و خرافه و فضای سیاه مذهب، دشمنی آشکار با دانش و آگاهی و جایگزینی دروس علمی با بساط قرآن و روضه خوانی بوده است.

تاریخ استقرار جمهوری اسلامی، تاریخ کوبیدن آزادی فکر و اندیشه، تاریخ تحمیل آپارتاید جنسی و جداسازی دختر و پسر و قطع روابط انسانی میان آنها، تعطیل ورزش و تفریح و جایگزینی آن با جشن ضدانسانی تکلیف بوده است. تاریخ استقرار جمهوری اسلامی،

تاریخ قلع و قمع جنبش اعتراضی دانشجویی و یکی از بزرگترین سرکوبهای سیاسی، کشتن و به خاک و خون کشیدن دانشجویان کمونیست و مخالفین حکومت در دانشگاهها بوده است. تاریخ کشتار معلمان و استادان کمونیست و آزادیخواه و تصفیه خونین دانشگاهها و مدارس از آنها بوده است.

و همه اینها برای خلاصی از کمونیسم و آزادیخواهی کافی نبود. با سروش و بنی صدر انقلاب فرهنگی کردند و در دانشگاهها را تماما بستند، رعب و وحشت را در کل جامعه حاکم کردند و آنگاه نظام آموزشی را به جاهل ترین بخش جامعه سپردند و

یکی از سنگرهای آشکار آزادیخواهی را به دست انجمن های مرتجع اسلامی دادند تا بعنوان یک باند سیاه و جاسوس، بعنوان گله حزب الله و پاسداران نهی از منکر، قدرقدرتی حکومت اسلامی را حفظ کنند و برای چند سال از کابوس کمونیسم و جنبش اعتراضی قدرتمند خود را نجات دهند.

بساط آنها اما امروز در هم ریخته است. سیاست ارباب کارآئی اش را از دست داده است، انجمن های اسلامی منزوی و متلاشی شده اند و جنبش فرهنگی جدیدی در میان دختران و پسران دانش آموز و دانشجو، جنبشی مدرن

و سکولار، آزادیخواه و رادیکال، بار دیگر از مدارس و دانشگاهها سر بلند کرده است و روی آوری به چپ و کمونیسم و اشاعه ادبیات مارکسیستی به یک مشخصه آشکار این مراکز تبدیل شده است. در چنین فضائی بازگشائی مدارس و دانشگاهها موجب وحشت سران جمهوری اسلامی شده است.

### دانش آموزان و دانشجویان عزیز!

بازگشائی مدارس و دانشگاهها در سال جاری با دوره پر تحول سیاسی همراه شده است. نبرد برای درهم کوبیدن جمهوری اسلامی تشدید شده است. دانشگاه و مدرسه میتواند باز هم به سنگر مهم پیشروی مردم، به سنگر مهم سکولاریسم، آزادیخواهی

و کمونیسم و به یک سنگر قدرتمند سرنگونی جمهوری اسلامی تبدیل شود. سال جاری را به سال جارو کردن مذهب از مدارس و دانشگاهها، سال طرد دروس مذهبی و کنار زدن حجابها و لغو جداسازیها، و سال پایان دادن به عنتر بازی تحکیم وحدت و انجمنهای اسلامی تبدیل کنیم. سال جدید میتواند سال متشکل شدن بخش چپ و آزادیخواه، سال ایجاد نهادها، انجمن ها، نشریات و سازمانهای دانشجویی رادیکال و کمونیست باشد.

### حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ شهریور ۱۳۸۱  
۱۹ سپتامبر ۲۰۰۲

### لیست کمک مالی به کمیته کردستان

### کمک مالی جمع آوری شده توسط داریوش نیکنام

۴۸۵۰ کرون ژوئیه ۲۰۰۲  
۳۹۵۰ کرون آگوست ۲۰۰۲  
۹۶۰ کرون دسامبر ۲۰۰۱

### کمیته کردستان

دبیر کمیته:

رحمان حسین زاده

Email:

r\_hoseinzadeh@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷

مسئول دبیرخانه:

محمد آسنگران

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۸۵۱۹۹۶۰۵

Email:

asangaran@aol.com

میپیوندند. در درون و از دل مبارزات مردم جنبشی انسانی و برابری طلب که به هیچ چیز کمتر از کنار گذاشتن جمهوری اسلامی قانع نیست و سر سازش با کسی ندارد، رشد کرده و در راس آن حزب عظیمی چون حزب کمونیست کارگری قرار گرفته است که این جنبش را نمایندگی میکند. بگذار مقامات ریز و درشت رژیم هزیان بگویند، مردم مریوان در میان خیل اوباشان و مزدوران رژیم رهبران کمونیستی چون عبدالله دارابی را حفاظت میکنند و دورش حلقه میزنند تا از برنامه کمونیسم کارگری برای کنار گذاشتن جمهوری اسلامی برایشان صحبت کند. این مردم را دیگر نمیشود ساکت کرد، حزب کمونیست کارگری را ممکن نیست از صحنه خارج کرد و هیچ راهی برای این حکومت جز رفتن باقی نیست و مردم برای این روز ثانیها را میشمارند.

\*\*\*

دیگرش بگویم که اوضاع از اینها گذشته و دیر به فکر خود افتاده اند. اینکه مردم جمهوری اسلامی را نمیخواهند امری جدید نیست، آنچه در این چند سال تغییر کرده توازن قوا میان مردم و جمهوری اسلامی به نفع مبارزه مردم چرخیده است. مردم میدانند که از عهده کنار گذاشتن رژیم بر میآیند. میدانند که عمر رژیم چندان باقی نیست و روزمره قوانینش را زیر پا میگذارند. ترسشان از رژیم ریخته است و دیوار توحشی که دور این جامعه کشیده بودند اکنون دیگر پاره شده است. غولی که تا کنون به زور کشتن و زندان و توپ و تانک، محسورش کرده بودند از قفس بیرون آمده است و تن به رفتن دوباره به قفس نمیدهد و کمر همت به قفس کردن زندانبانان و شکنجه گران دیروز بسته است. اوضاع عوض شده است، جمهوری اسلامی ناتوان و مردم هر روز با اعتماد به نفس بیشتر، با توقعات بیشتر به صف اعتراض علیه کلیت رژیم

حمیدرضا جلائی پور که البته امروز "جامعه شناس" و دوم خردادی نازنین تشریف دارند، در آخر عمر دولت اسلامیش به فکر دلسوزانند برای مردم افتاده و البته همزمان از "انقلاب آرام" و فروپاشی "جامعه" اظهار نگرانی میکند. و بیخود نیست که رئیس کل دادگستری تهران حجت‌السلام عباسعلی علیزاده خواستار احداث زندانهای جدید در تهران است. و باز بی جهت نیست که مشتت اشغال تحت نام "نمایندگان" مناطق "گرد نشین" نامه برای خامنه‌ای و خاتمی میفرستند و از عدم اختصاص امکان برای درست کردن مساجد برای مردم "سنی" اظهار نگرانی فرموده‌اند. گویا مردم کردستان مشکلمان کمبود مساجد سنی است! اینها دیگر اینقدر احمق هستند نمیفهمند که مردم متنفر و بیزار از اسلام برای نوع سنی آن هم همانقدر تره خرد میکنند که نوع شیعه‌اش. خوب است در جواب خیل طرفداران رژیم از سرکار پاسدار تا نماینده مجلس و مقامات

### اعتراضات...

آقایان پیام مهمتری موجود است که از یک وضعیت واقعی ناشی میشود. معلوم است که اوضاع رژیم چنان وخیم است که سرکار پاسدارهای رژیم و پادوهایبی چون داسه هم دوریالی‌شان افتاده است. همگی تلاش دارند بگویند که مردم ناراضی هستند، که بیکاری و محرومیت بیشتر را تحمل نخواهند کرد و راه و چاه نشان بالا بیا میدهند. معلوم نیست این جنابان از کی تاکنون اینقدر "دلسوز" مردم شده‌اند که میخواهند فکری برای "حل" مشکلات مردم کنند! اما مسئله این نیست! اینها با مردم جز زور زبانی ندارند. اگر امروز چنین به ظاهر دل میسوزانند تنها به این دلیل است که زبان زورشان دیگر از کار افتاده و جوابی نمیگیرد. مردم این رژیم را نمیخواهند و عمق تنفر و بیزاری خود را از حکومت اسلامی در هر فرصت و امکانی نشان داده‌اند. بی جهت نیست سرکار پاسداری چون